

سناریوهای نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه از منظر مدل آینده پژوهی تایدا

10.30495/pir.2021.686819

ابراهیم معراجی^۱، حسین دهشیار^۲، محمدرضا دهشیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۷/۰۵/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۱/۰۹/۱۴۰۰

چکیده

برنامه‌ریزی صحیح و مبتنی بر روندهای آتی برای پیشبرد اهداف امنیت ملی و تأمین منافع ملی، از مهم‌ترین وظایف استراتژیست‌ها در هر کشور است. نظر به اهمیت برنامه‌ریزی سناریویی در مطالعات استراتژیک، در مقاله حاضر نویسنده سعی داشته با روش تحقیق آینده‌پژوهی و با استفاده از مدل تایدا که با تأکید بر پنج رویکرد «تعقیب، تحلیل، تصور، تصمیم و اقدام» درصدد است چارچوبه‌ای مفهومی جهت سناریوهای آینده به دست آورد، سناریوهای محتمل و پیش رو پیرامون نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه را مورد بررسی قرار دهد. با این بیان سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: سناریوهای محتمل پیرامون نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه چگونه خواهد بود؟ سناریوها عبارت‌اند از: ۱- خلأ قدرت و توسعه فعالیت نیروهای غیردولتی همانند داعش و بی‌نظمی حاصل از آن؛ ۲- احتمال قدرت‌گیری برخی کشورهای منطقه و شکل‌گیری نظم آن بر مدار منافع آن‌ها؛ ۳- شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای جهت تأمین امنیت توسط کشورهای منطقه به صورت مشترک. در نهایت نویسنده سعی خواهد داشت سناریوی مطلوب از نقطه نظر جمهوری اسلامی ایران را بیان دارد. در این راستا، پژوهش حاضر ابتدا به صورت مختصر به بیان مدل تایدا و مراحل آن پرداخته و در ادامه با بررسی اجمالی زمینه‌های حضور آمریکا در منطقه و انطباق این مدل با شرایط حال و آینده این حضور، به بیان سناریوها خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، سناریوسازی، نظم منطقه‌ای، مدل تایدا
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Ebrahim.meraji@gmail.com

^۲. استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

^۳. دانشیار، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران

۱- مقدمه

مهم‌ترین وظیفه یک استراتژیست، دستیابی به شناخت صحیح از وضعیت پیشرو است بر این اساس آینده‌نگری و استفاده از ابزارهای علمی برای آینده در برنامه‌ریزی استراتژیک اهمیتی حیاتی دارد؛ بنابراین سناریوسازی دارای اهمیتی بسیار زیاد هست که پژوهشگران این حوزه برای آن جایگاه رفیعی قائل هستند. سناریوها، نه تنها ابزارهایی برای اعمال مدیریت بهتر بلکه شیوه‌های جدیدی از تفکر و اندیشیدن نیز هستند؛ بنابراین هدف از سناریوسازی گسترش تفکر درباره آینده و افزایش طیف گزینه‌هایی است که می‌توانند در اختیار ما باشد.

پایه نگارش سناریوها بر اساس روش‌های مختلفی مانند شبیه‌سازی، روش دلفی، تئوری بازی‌ها، تئوری احتمالات و بسیاری دیگر از روش‌ها بنا گذاشته شده است. در این میان روش «تایدا» که مخفف حروف اول مراحل پنج‌گانه این روش در زبان انگلیسی است، از جدیدترین و متداول‌ترین روش‌های تدوین سناریوها به شمار می‌رود. در این پژوهش تلاش شده است، با بیان مراحل پنج‌گانه این روش، به سناریوهای محتمل و مرجح در صورت خروج نیروهای ایالات متحده از منطقه و نظم آتی در منطقه پرداخته و با توجه به احتمالات پیش رو آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. این نکته حائز اهمیت هست که سناریوها، فهرستی از مطلوبات ما نیستند، آن‌ها پیش از آنکه در احتمالات استوار باشند بر مقدمات و ممکنات تدوین می‌شوند. لذا در این نوشتار ضمن بیان نظم مطلوب از منظر جمهوری اسلامی ایران در منطقه که در آخر این پژوهش به آن پرداخته شده است به سناریوهای ممکن و محتمل درگیر نیز اشاره و به آن پرداخته شود.

۲- مبانی نظری

همان‌طور که در مقدمه آمد روش‌های گوناگونی در نگارش سناریوها وجود دارد که امروزه روش تایدا، یکی از مهم‌ترین آن‌ها قلمداد می‌شود. سناریوها فارغ از هرگونه قضاوتی صرفاً فرض می‌کنند و بر طبق فضایی شرطی می‌گویند که در صورت روی دادن اتفاقی، انتظار واقعه بعدی چه خواهد بود. لذا سعی خواهیم کرد با این رویکرد نگاهی اجمالی به نظریه تایدا در ابتدا داشته باشیم.

۲-۱ سناریوسازی به روش تایدا

ذهن آدمی به صورت عادی دائماً مشغول ساختن سناریوهای مختلف و تفسیر علائم و نشانه‌های گوناگون است که از محیط اطراف خود دریافت کرده و پس از آن، آن‌ها را به تصورات معناداری تبدیل می‌کند که در نهایت مسیر به سوی آینده را روشن‌تر سازند در این میان با الگوبرداری از روشی که ذهن انسان به طور طبیعی به کنش و واکنش می‌پردازد، روش تایدا به وجود آمد که امروزه از بهترین روش‌های سناریوسازی محسوب می‌شود. روش تایدا از پنج مرحله تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از:

تعقیب^۱: که به معنای ردیابی تغییرات و شناسایی علائم تهدیدات و فرصت‌ها است؛

تحلیل^۲: که به معنای بررسی نتایج حاصل از تحقیقات و ساختن سناریوهاست؛

تصور^۳: که به معنای شناسایی دیدگاه‌ها و تصویرهای ذهنی ما نسبت به آن چیزی است که به دنبال آن هستیم؛

تصمیم^۴: که به معنای سبک و سنگین کردن اطلاعات و انتخاب یا ساختن استراتژی‌هاست؛

1. Tracking

2. Analyzing

3. Imaging

4. Deciding

اقدام^۱: که به معنای تعیین اهداف کوتاه‌مدت، برداشتن اولین گام‌ها و دنبال کردن آن‌ها تا رسیدن به نتیجه است (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

معماران این شیوه پژوهش، هانس بندهلد^۲ و ماتس لیندگری^۳ هستند که بر اساس این طرح پروژه‌های استراتژیک بسیاری تدوین گشته است.

۲-۲ بررسی مراحل طرح تایدا

در ابتدا می‌بایست خاطر نشان کرد که تعیین هدف معین و مشخص، تعیین پرسش دقیق و روشن، توجه به زمان جهت بررسی و برنامه‌ریزی و مسائل این‌چنین، مقدمات لازم جهت بررسی‌های استراتژیک و سناریوسازی بر اساس روش تایدا است.

۱-۲-۲ مرحله تعقیب

در مرحله تعقیب به دنبال یافتن تغییرات محیطی، روندها، نیروهای محرک و احتمالاتی هستیم که ممکن است در پاسخ به پرسش کلیدی ما تأثیرگذار باشند. میان منطق جمع‌آوری و نوع پرسش تحقیق باید یک ارتباط عقلانی و قابل دفاع و توجیه وجود داشته باشد (سریع‌القم، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

با این ملاحظات، تحولات مهم غالباً مرتبط با روندها و نیروهای محرک موجود هستند. البته وقتی از روندها صحبت می‌شود، منظور چیزی عمیق‌تر از تغییرات معمولی و عادی است. برای تشخیص روندها باید از زمان حال شروع و تلاش کرد. تغییرات در حال وقوع را دریافت (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۲۲۱). بر اساس این روش، می‌توان فرض کرد که وضعیت مورد مطالعه ممکن است روندهای جاری و یا در حال ظهور باشند.

۲-۲-۲ مرحله تحلیل

مرحله تحلیل، مرحله‌ای است که در آن محرک‌ها و نتایج شناخته می‌شوند و از این طریق زمینه برای شناخت نحوه شکل‌گیری روندها فراهم می‌آید. مناسب است که در این مرحله به نحوه عملکرد هر یک از بازیگران نیز توجه کرد تا دریافت که هر یک از آن‌ها چگونه می‌توانند بر روندهای موجود در فرایند گذار تأثیر بگذارند. همه این‌ها به محقق کمک می‌کند به شناخت عمیق‌تری از وضعیت نامشخصی که فرایند گذار بر اساس آن‌ها طی خواهد شد، دست یابد.

وقتی تحولات درون یک نظام را دقیق‌تر بررسی کنیم، آنگاه می‌توان دریافت که روندهای موجود چگونه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چه نتایجی به بار می‌آورند. بر این اساس می‌توان تصویر شفاف‌تری از آینده به دست آورد. در این مرحله نیز می‌توان از تحلیل‌های تک‌بعدی استفاده کرد و هم روند را جداگانه مطالعه کرده و سپس تأثیر آن را در دیگر روندها دریافت (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۲۲۸). بعد از انجام دادن این بخش، کار روی سناریوها شروع می‌شود. ابتدا شروع به نوشتن سناریوهایی می‌شود که محتمل‌تر هستند. این امر کمک می‌کند وقایع و تحولات محتمل و نیروهای محرک پشت سر آن‌ها را راحت‌تر دریافت. بعد از تعیین سناریوها به پرسش‌های کیفی پاسخ داده می‌شود (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۲۳۲).

۳-۲-۲ مرحله تصور

در اینجا تغییرات محیطی دنبال شده و تحلیل شده است و سناریوهای جایگزینی برای آینده طراحی گردیده است. در این بخش برنامه‌هایی که برای آینده در نظر گرفته شده ترسیم خواهد شد. تا این بخش صرفاً واقعیت‌های موجود مورد توجه قرار گرفته است، اما از این به بعد، باید به واقعیت‌های مطلوب مورد نظر پرداخته شود. در واقع «دیدگاه» مورد نظر خود در زمینه هدف

1. Action

2. Hans Bandhold

3. Mats Lindgren

4. Vision

موردنظر ساخته می‌شود. دیدگاه، هدفی را با انتظاراتی روشن مشخص می‌کند که از ما می‌خواهد نسبت به انجام دادن آن تعهد داشته باشیم (Collins and Porras, 1996: 68). با توجه به مفروضات فوق، دستگاه سیاست خارجی در کنار نهادهای دیگر دخیل در موضوع ملزم هستند استراتژی خود را به شکلی موضوعی و جزئی نسبت به نیازهای داخلی و عرصه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین کنند (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۹۴).

۲-۲-۴ مرحله تصمیم

در این مرحله داده‌های گردآوری شده در کنار هم قرار می‌گیرند. محیط آینده را اینجا تعقیب شده، تحلیل شده و دیدگاه مشخصی نیز درباره آن ارائه شده و حال نوبت تصمیم‌گیری است. باید تصمیم گرفت چگونه از فرصت‌ها استفاده و از تهدیدها دوری کرد. در این مرحله معمولاً از حلقه‌های سه‌بعدی «خواسته‌ها»، «غایت‌ها» و «بایدها» استفاده می‌شود و بر این اساس به پرسش‌هایی در این زمینه پاسخ داده می‌شود. آیا استراتژی موردنظر پاسخگوی مطلوبات ما هست یا نه؟ «خواسته» آیا استراتژی موردنظر قدرت لازم جهت پاسخگویی به نیازهای ما را دارد یا نه؟ «غایت» و آیا این استراتژی با محیط سازگار است یا نه؟ «باید» (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۲۴۳). استراتژی علمی تدوین و هماهنگی و همکاری بین طرح‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی است که در سطح دولت و مابین چند دولت با به کار گرفتن کلیه امکانات جهت دستیابی به هدف‌های موردنظر صورت می‌گیرد (علی‌بابایی، ۱۳۸۷: ۲۰).

۲-۲-۵ مرحله عمل

عمل کردن، به معنی یک فرآیند مهم در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک است. این مرحله به معنای اجرای استراتژی‌های تدوین شده، یا استفاده از ابزارهای در دسترس بازیگران است. از سوی دیگر، عمل به معنای اقداماتی که حکومت‌ها برای عملی ساختن برخی سمت‌گیری‌ها، اجرای نقش‌ها، یا دستیابی به هدف‌ها و دفاع از آن‌ها در برابر دیگران انجام می‌دهند. هر عمل اساساً نوعی برقراری ارتباط است، به قصد تغییر یا تثبیت رفتار کسانی که حکومت انجام دهنده آن عمل، برای دستیابی به هدف‌هایش به آنان وابسته است. در سیاست بین‌الملل، اعمال شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرند. وعده اعطای کمک خارجی، تبلیغات، نشان دادن قدرت نظامی، هشدارهای دیپلماتیک، فرستادن اسلحه و پول برای یک جنبش رهایی‌بخش، اعلام جنگ و غیره (هالستی، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

آنچه به آن اشاره شد، بررسی مدل تایدا به صورت مختصر بود که سعی گردید پارامترها و اصول کلی این نحوه نگرش و سناریوسازی در چارچوب آن به شکل مختصر شرح داده شود. در ادامه سعی خواهد شد چشم‌انداز نظم منطقه‌ای، پس از خروج احتمالی نیروهای آمریکایی از منطقه را بر اساس این روش بررسی کرده و سناریوهای محتمل و مرجح پیرامون آن، از دیدگاه نگارنده و با پیگیری مراحل پنج‌گانه تایدا شرح داده شود.

۳- بررسی زمینه‌های سناریوسازی پیرامون نظم منطقه‌ای در صورت خروج نیروهای آمریکایی

از منطقه، بر اساس مدل تایدا

۳-۱ پیشینه بحث حضور نیروهای آمریکایی در منطقه

پس از جنگ جهانی دوم و در سایه رقابت‌های دو ابرقدرت شرق و غرب، ایالات متحده با هدف رویارویی با تهدیدات شوروی و متحدان آن، کشورهای عضو پیمان ورشو، مبادرت به تأسیس پایگاه‌های نظامی در بسیاری از کشورهای متحد خود نمود. خاورمیانه از دیرباز به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک و منبع انرژی موردنیاز جهان در مرکز توجه دو ابرقدرت به‌عنوان

ابزار چیرگی سیاسی، نظامی و اقتصادی بر بلوک رقیب بود. تلاش شوروی برای دستیابی به آب‌های گرم و متقابلاً اقدامات آمریکا بر تقویت متحدان منطقه‌ای خود در مسدود کردن مسیر شوروی کشورهای خاورمیانه را تا حد زیادی متأثر از چنین رقابتی می‌ساخت. پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان، لبنان، ترکیه و... پایگاه نظامی شوروی در سوریه و سایر دول متحد ماحصل آن دوران است (ایسنا، ۱۳۹۸).

پس از خاتمه جنگ سرد و فروپاشی شوروی و شکل‌گیری نظم نوین جهانی با سردمداری آمریکا، به دلیل اهمیت استراتژیک خاورمیانه، حضور نظامی آمریکا در این منطقه همچنان تداوم یافت. حمله به عراق متعاقب اشغال کویت و در چارچوب نظام امنیت جمعی و با مجوز شورای امنیت و تحریم‌های گسترده علیه عراق از جمله اقدامات بارز این کشور در خاورمیانه پس از فروپاشی شوروی بود.

اما حملات ۱۱ سپتامبر و تأثیرات شگرف آن، زمینه‌های حضور گسترده و جدی‌تر آمریکا در خاورمیانه را فراهم ساخت. قطعنامه‌های مکرر شورای امنیت، حق دفاع مشروع آمریکا علیه بانیان حملات را رسمیت داد و به استناد اصل دفاع مشروع، حمله به افغانستان آغاز گردید. در همین دوران دکترین «جنگ علیه تروریسم» موسوم به دکترین بوش توسط جرج بوش مطرح و کنگره آمریکا مجوز جنگ علیه بانیان، حامیان و سازمان‌دهندگان حملات ۱۱ سپتامبر را به رئیس‌جمهور این کشور اعطا کرد (سهرابی، ۱۳۹۶: ۴۸).

پس از اشغال افغانستان، آمریکا به استناد دفاع مشروع پیشگیرانه و با ادعای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی توسط صدام به عراق لشکرکشی کرد. جنگی که نه تأیید شورای امنیت را به دنبال داشت و نه موافقت کشورهای دیگر. به‌رحال اشغال عراق و حوادث متعاقب آن مانند ظهور داعش زمینه‌های حضور پررنگ‌تر و گسیل نیروهای نظامی به خاورمیانه را فراهم آورد. تا آنجا که هم‌اینک ده‌ها پایگاه نظامی آمریکایی با هزاران نیروی نظامی در خاورمیانه و کشورهای اطراف با اهداف ادعایی مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت بین‌المللی وجود دارد (معراجی، ۱۳۹۷: ۳۸۲).

۳-۱-۱ اهداف حضور آمریکا در منطقه

الف) تأمین انرژی: در زمان جنگ سرد با وجود اینکه ایالات متحده همچنان یک صادرکننده خالص نفت بود، اما سیاست‌گذاران آمریکایی دفاع از خاورمیانه را در اولویت قرار دادند؛ زیرا آن‌ها تشخیص دادند که تحت کنترل درآمدن منطقه توسط شوروی می‌تواند پیامدهای غیرقابل‌تحملی برای اقتصادهای هم‌پیمانان اروپای غربی ایالات متحده که وابسته به واردات نفت از خاورمیانه هستند داشته باشد (Painter, 2012: 33).

با در نظر گرفتن منافع مذکور، سیاست ایالات متحده برای مدتی طولانی در پی تضمین این امر بوده است که هیچ قدرت متخاصمی نتواند کنترل تولید انرژی در خاورمیانه و بنابراین به‌طور بالقوه امکان مسلح کردن این منطقه را به دست آورد. در سال ۱۹۹۰ زمانی که صدام حسین به کویت حمله کرد، سیاست‌گذاران آمریکایی خطر بالقوه سپردن کنترل بیش از یک‌سوم نفت جهان به دست صدام حسین را نادیده نگرفتند (Painter, 2012: 36). به‌طور مشابه ایالات متحده به دنبال به حداقل رساندن تهدید عرضه جهانی انرژی به‌واسطه درگیری منطقه‌ای بوده است. برای نمونه، چنین موقعیتی در زمان جنگ ایران و عراق بروز کرد که ایالات متحده از حضور نظامی خود در خلیج فارس به‌منظور جلوگیری از تشدید جنگ نفتکشها که در آن دو طرف درگیری صادرات نفت یکدیگر را هدف قرار دادند، استفاده کرد (O'Rourke, 1988).

امروزه در یک اقتصاد جهانی هر چه بیشتر در هم تافته شده، وقتی خاورمیانه همچنان ۳۵ درصد از عرضه جهانی نفت را تولید می‌کند، پیامدهای یک وقفه بزرگ در صادرات نفت از منطقه فاجعه‌بار خواهد بود (Smith, 2016). ایالات متحده نمی‌تواند خود را به‌طور کامل در مقابل خطرات چنین وقفه‌ای ایمن کند. حتی در صورتی که ایالات متحده می‌توانست کل نفت

مورد نیاز خود را تولید کند، باز هم واجد منفعتی در حفاظت در عرضه آزاد نفت بود. هم به خاطر وابستگی هم‌پیمانانش به آن و هم به دلیل تجارت نفت در بازار جهانی. هرگونه کاهش شدید یا اتفاقی در عرضه نفت از جانب خاورمیانه، چه با افزایش قیمت‌های انرژی تولیدشده توسط ایالات متحده، چه با کاهش رشد اقتصادهای اتحادیه اروپا و درخواست آن‌ها برای محصولات ایالات متحده، چه با محروم کردن چین از انرژی مورد نیاز این کشور برای تولید کالا برای بازار ایالات متحده و چه با محدود کردن دسترسی به سوخت برای کشتی‌های باربری که تجارت جهانی را می‌سازند، رونق ایالات متحده را به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر تهدید خواهد کرد. لذا جهت پیش‌گیری از وارد شدن شوک انرژی به اقتصاد ایالات متحده، نیازمند تلاش‌های مستمر این کشور به منظور حفاظت از عرضه آزاد نفت خاورمیانه است.

ب) حمایت از هم‌پیمانان: ایالات متحده واجد دلایل راهبردی به منظور حفظ پایداری خود به امنیت و ثبات هم‌پیمانان خود در منطقه است. ترکیه و ایالات متحده به عنوان اعضای ناتو، بنا به مفاد پیمان ناتو مقید به کمک یکدیگر هستند. اسرائیل به عنوان یک سنگر دموکراسی پویا از نگاه ایالات متحده در خاورمیانه، در تعهد نسبت به ارزش‌های اساسی با آمریکا سهیم است. با وجود این ایالات متحده مهم‌تر از همه با کمک به حفاظت و پشتیبانی از هم‌پیمانانش در خاورمیانه، تضمین می‌کند که آن‌ها نیز به تضمین منافع منطقه‌ای آمریکا کمک کنند.

هم‌پیمانان ایالات متحده در خاورمیانه تا قبل از سال ۲۰۰۱ پایگاه‌ها، اطلاعات، پشتیبانی لجستیکی و در برخی موارد، نیروی ارتش را برای مبارزه با تهدیدهای متقابل از جانب تروریسم اسلامی افراطی برای آمریکا فراهم آورده‌اند (The Heritage Foundation, 2017).

با این حال این روابط منطقه‌ای که ایالات متحده وابسته به آن‌ها است، با این انتظار که ایالات متحده همچنان در منطقه نقش‌آفرینی خواهد کرد، تسهیل می‌شوند. هم‌پیمانان اصلی ایالات متحده در خاورمیانه (اسرائیل، اردن، عراق، مصر، ترکیه، عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس) از کمک نظامی و یا تعهدات دفاعی ایالات متحده منتفع شده‌اند و تا حدودی روی حمایت ایالات متحده در مواجهه با تهدیدات آتی حساب می‌کنند.

عدم موفقیت در مقابله با تهدیدها در خاورمیانه و همچنین می‌تواند هم‌پیمانان ایالات متحده در دیگر بخش‌های جهان را نیز تهدید کند. در واقع یکی از مخرب‌ترین جنبه‌های جنگ سوریه، ایجاد موجی از پناهندگان در جستجوی ساحل امن راهی کشورهای اروپایی بوده‌اند که آن کشورها را با هزینه‌های چشمگیر امنیتی سیاسی اجتماعی و اقتصادی مواجه می‌سازد. به طور هم‌زمان، خود جنگ هم سبب جذب افراد گروه‌های اسلامی اروپایی شده است که قبل از بازگشت به اروپا در برخی موارد به منظور اقدامات تروریستی در میدان جنگ سوریه آموزش نظامی کسب می‌کنند (Casert & Hinnant, 2015).

ایالات متحده با حمایت از هم‌پیمانان خود در مقابل تهدیدهای خاورمیانه که آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد، به حفاظت از خود کمک می‌کند و برای تحقق این امر واقعیت و تصور حمایت سیاسی و نظامی مستمر ایالات متحده از این هم‌پیمانان حیاتی است. البته این حمایت نمی‌تواند بدون چون و چرا باشد.

ج) مبارزه با تروریسم: ظهور تروریسم و افراط‌گرایی در جهان اسلام تهدیدی جهانی و مرتبط با منافع ایالات متحده را در منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. مقابله با این تهدید، هدف اصلی عملیات نظامی فعلی ایالات متحده در گستره منطقه از جمله سوریه و عراق و نیز آفریقای شمالی شبه‌جزیره عربستان و آسیای جنوبی و دیگر مناطق است. برخی استدلال می‌کنند که تروریسم در جهان اسلام عمدتاً در پاسخ به حمایت‌های ائتلاف ایالات متحده با اسرائیل، مداخلات نظامی ایالات متحده در منطقه، یا حمایت ایالات متحده از رژیم‌های مستبد نظیر عربستان سعودی و مصر ظهور کرده است (Bacevich, 2016).

با وجود عوامل مزبور و تصور امکان خلاصی ایالات متحده از تهدید تروریسم با خروج کامل از خاورمیانه، اسلام‌گرایان افراطی آشکارا اعلام کرده‌اند که واجد طیف وسیعی از نارضایتی‌های فرهنگی و اخلاقی از ایالات متحده هستند که در صورت کاهش چشمگیر حضور آمریکا در منطقه باز هم آن نارضایتی‌ها پابرجا خواهند ماند. خصومت ایدئولوژیکی که ایالات متحده از

جانب نسل‌های فعلی و نوظهور اسلام‌گراهای افراطی با آن مواجه است، منافع این کشور و هم‌پیمانان آن را، به هدفی برای حملات تروریستی در دهه‌های آتی بدل خواهد کرد. از طرف دیگر خلأ قدرت و رقابت منطقه‌ای میان قدرت‌ها پس از جنبش‌های اجتماعی کشورهای عرب «بهار عربی»^۱ را می‌توان یکی از عواملی دانست که باعث ظهور داعش در خاورمیانه گردیده است (معراجی، ۱۳۹۷: ۳۷۸).

لذا خط مقدم دفاع علیه تروریسمی که ایالات متحده را هدف گرفته است، باید در منطقه یعنی جایی که سرمنشأ تروریسم است باشد. تداوم نقش‌آفرینی ایالات متحده در خاورمیانه، ائتلاف‌ها و حضور نظامی را که موفقیت اقدامات علیه تروریسم اسلامی افراطی به آن است، حفظ می‌کند.

۳-۱-۲ زمینه‌های حضور آمریکا در منطقه

شکندگی دولت‌ها در خاورمیانه و ناکامی آن‌ها در تدارک کالاهایی چون امنیت، رفاه، بهداشت، آموزش و دیگر وظایف دولت مدرن، یکی از مشکلات دولت‌های منطقه است. در وضعیت فعلی این منطقه که از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا به امروز یکی از منازعه‌آلوده‌ترین بخش‌های جهان بوده است، شاهد جنگ‌ها و تحولات مختلفی بوده‌ایم. در این میان، خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، بیش‌ازپیش وضعیت شکننده دولت‌ها و نیز استبدادی بودن آن‌ها را به نمایش گذاشت (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۵۹). دولت‌های شکننده دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که شامل: ۱- از دست دادن کنترل فیزیکی بر سرزمین یا انحصار در استفاده از زور؛ ۲- فرسایش اقتدار مشروع برای تصمیم‌گیری دسته‌جمعی؛ ۳- ناتوانی در جهت تدارک متناسب خدمات عمومی؛ ۴- ناتوانی به هم‌کنشی با دیگر دولت‌ها به‌عنوان یک عضو کامل جامعه بین‌المللی (Fund for Peace, 2005).

در سال‌های پس از بهار عربی که دامان سوریه را به شکل جدی گرفت و خلع قدرت در عراق نیز زمینه را برای ظهور افراط‌گرایی آماده نمود، موجبات استفاده داعش را از این وضعیت برای ظهور و گسترش خود در فضای منازعه‌آلود سوریه و عراق فراهم نمود. بر اساس تئوری دولت‌های شکننده در بنیاد صلح، عراق و سوریه در سال‌های اخیر از وضعیت شکنندگی شدیدی برخوردار بوده تا حدی که امنیت انسانی در آن به خطر افتاده و بخشی از انحصار در سرزمین‌های خود را از دست داده، فرسایش دولت و اقتدار آن تحلیل رفته و تدارک کالای امنیت و خدمات اجتماعی نیز فرورمانده‌اند (Fund for Peace, 2015).

آنچه گفته شد زمینه‌های حضور ایالات متحده در منطقه می‌باشند و به‌عنوان پیش‌زمینه ورود به بحث روش تایدا جهت سناریوسازی لازم به بیان بود. حال با بررسی عوامل مختلف وارد مراحل سناریوسازی بر اساس مدل تایدا خواهیم شد.

^۱ . Arab Spring

۲-۳ بررسی سناریوهای محتمل منطقه‌ای پس از خروج نیروهای آمریکا بر اساس مدل نایدا

همان‌طور که گفته شد مدل نایدا جهت سناریوسازی شامل ۵ مرحله است که با انطباق این مراحل با شرایط منطقه به بررسی سناریوهای محتمل می‌پردازیم.

۳-۲-۱ تعقیب روندها

در بررسی روندهای جاری می‌بایست به محرک‌ها و عدم قطعیت‌های که بر آینده تأثیرگذار هستند پرداخته شود و فرصت‌ها و تهدیدات پیش رو بیان گردد (تیشه یار، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

- **فرصت‌ها و تهدیدات:** منظور از فرصت‌ها و تهدیدات مجموعه شرایط و عوارضی است که استمرار حضور آمریکا را تقویت یا تضعیف می‌کند و باعث می‌شود زمینه‌های آن مساعدتر یا ضعیف‌تر از قبل شود. زمینه‌های استمرار حضور آمریکا عبارت‌اند از:

الف) ایران هراسی و شکاف عربی - عجمی: برخی اعراب از گذشته از اقتدار و استمرار نظام جمهوری اسلامی مضطرب بودند، به نظر می‌رسد آمریکا با برجسته کردن نفوذ ایران در عراق، گروه‌های فلسطینی و لبنانی، به دنبال ایجاد نوعی سازش میان اعراب است تا از این طریق، قدرت ایران را تضعیف کند (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۱۷۰). از سوی دیگر، بحث شیعه و ایران هراسی در منطقه فرصت مناسبی را برای حضور آمریکا در منطقه فراهم آورد. گسترش و دامنه فعالیت‌های ایران در منطقه و نفوذ این کشور در کشورهای عراق و سوریه و جنوب لبنان و یمن نشان از فعالیت و میل ایران به بازیگری در منطقه دارد. امری که بی‌شک خوشایند عربستان نیست، از این‌رو اعراب منطقه به دنبال آن شدند تا مانع مهمی در برابر نفوذ ایران ایجاد کنند که تبلور چنین خواسته‌ای را می‌توان در حمایت این کشور از حضور آمریکا در منطقه جستجو کرد؛

ب) ناامنی و آشوب‌زدگی جامعه در کشورهای اسلامی: بررسی تحولات منطقه و گسترش بنیادگرایی در کشورهای افغانستان، پاکستان، سوریه و عراق حکایت از این دارد که رادیکالیسم در جایی گسترش پیدا می‌کند که قدرت مرکزی ضعیف بوده و ناامنی در کشور حاکم می‌شود (براتی و بیابان‌پیما، ۱۳۹۲: ۶۶)؛

با وقوع بحران و جنگ داخلی سوریه در ۲۰۱۱ بنیادگرایان از این ناامنی‌ها استفاده کردند و در خاک سوریه پیشروی کردند. در موضوع عراق هم به همین شکل بود، سستی حکومت مرکزی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز مالکی در مقابل اهل تسنن و بروز اختلافات میان شیعه و سنی در عراق و مشکلات اقتصادی موجب شده تا عراق ثبات خود را از دست بدهد و زمینه برای حضور نیروهای فرا منطقه‌ای مساعد گردد.

ج) ضعف دولت‌های مرکزی: در سال ۲۰۱۵ در سوریه و عراق از نظر شاخص‌های شکنندگی دولت در میان ۱۷۸ دولت در جهان، به ترتیب رتبه‌های هفتم و یازدهم را به خود اختصاص داده و از این حیث در جمع ناکامیاب‌ترین دولت‌های جهان قرار دارند. (ذاکری، ۱۳۹۵: ۱۹۵) کاملاً واضح و روشن است که دولت‌های سوریه و عراق در سال‌های اخیر در کنترل ناآرامی‌ها و بحران‌ها به شدت ناتوان بوده‌اند و این قضیه ضعف دولت‌های مرکزی را نمایان می‌سازد.

زمینه‌های تضعیف حضور آمریکا عبارت‌اند از:

الف) ایجاد همکاری‌های امنیتی درون منطقه‌ای (امنیت درون‌زا)

در دهه‌های اخیر عملکرد کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس به گونه‌ای بوده است که پیمان‌ها و قراردادهای نظامی - امنیتی از محورهای اصلی سیاست‌های نظامی این کشورها بوده است. بیشتر این قراردادها با ایالات متحده منعقد شده است. در واقع این توافقات با آمریکا ساختار امنیتی آنان را عملاً تحت الشعاع چارچوب رفتاری ایالات متحده قرارداد است؛ و در نتیجه به حضور منطقه‌ای این کشور مشروعیت داده است (ملک محمدی و داودی، ۱۳۹۱: ۲۴۱)؛

با این وجود اگر کشورهای منطقه به این منطق و اجماع برسند که امنیت یک کالای درون منطقه‌ای است و در صورتی که ایجاد همکاری‌های جمعی، تأمین امنیت در راستای مقابله با تهدیدات مشترک با هزینه کمتر و کارایی بهتر به انجام می‌رسد، آن هنگام بسترهای حضور منطقه‌ای نیروهای فرا منطقه‌ای همانند ایالات متحده تضعیف می‌گردد.

ب) عدم تأکید بر هویت‌های اختلاف‌زا: با توجه به بافت قومی و مذهبی خاورمیانه یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که دولت ایالات متحده آمریکا جهت حضور خود در منطقه از آن سود می‌برد، استفاده از اختلافات میان قومیت‌های دینی، مذهبی و زبانی در این منطقه است (وثوقی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

وجود اختلافات و هویت‌های گوناگون در منطقه لزوماً موجبات چالش‌های امنیتی را فراهم نمی‌آورد؛ و آنچه مسلم است، کشورهای منطقه دارای زمینه‌های مشترک و منافع بلا قوه همسوی بسیاری با یکدیگر هستند که با تأکید بر آن‌ها می‌توانند به شکل مطلوب از آن استفاده کنند؛ و در صورت قرار گرفتن در این مسیر زمینه‌های حضور آمریکا با استفاده از هویت‌های گوناگون و تشدید اختلافات آن‌ها در منطقه کاهش می‌یابد.

۳-۲-۲ تحلیل

در این مرحله، زمینه شکل‌گیری روندها بیان خواهد شد تا بتوان تصویر شفاف‌تری ارائه داد. همچنین سناریوهای موجود پیرامون آینده منطقه از نقطه نظر نویسنده بیان خواهد گردید. تمامی روش‌های آینده‌پژوهی می‌توانند به تدوین سناریو بیانجامد. آینده‌پژوهان هر یک به شیوه‌ای خاص از سناریوها استفاده می‌کنند و به همین دلیل نیز این روش گسترده‌ترین ابزار روش‌شناختی مشترک در میان آینده‌پژوهان است (بل، ۱۳۹۲: ۵۴۹). از این رو، با توجه به این نکته که روندهای جاری حکایت از این دارد که خروج نیروهای آمریکایی از منطقه توسط بازیگرانی چون ایران به صورت جدی دنبال می‌شود، به سؤال اصلی پژوهش حاضر می‌گردیم: چه احتمالاتی پیرامون نظم منطقه‌ای در دوران پس از خروج نیروهای آمریکایی از منطقه وجود دارد؟ یا به عبارتی سناریوهای محتمل در این رابطه چگونه خواهند بود؟ در پژوهش حاضر این سناریوها به سه دسته تقسیم شده است که آن‌ها را بیان می‌داریم.

الف) خلأ قدرت و توسعه فعالیت نیروهای غیردولتی همانند داعش و بی‌نظمی حاصل از آن

بر اساس این سناریو، با خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شاهد به وجود آمدن خلأ قدرت هستیم و نیروهای ناکارآمد در زمینه مقابله با چالش‌های امنیتی مانند مبارزه با تروریسم هستیم. تروریسم منطقه‌ای باقی می‌ماند و افزایش می‌یابد و کشورها در زمینه مقابله با آن به توافق جامع دست پیدا نمی‌کنند؛ زیرا آن‌ها منافع مشترکی در حفظ نظم منطقه‌ای و بین‌المللی ندارند؛ بنابراین احتمالاً شاهد همکاری چندانی در زمینه مقابله با گروه‌های تروریستی نظیر داعش نخواهیم بود. همچنین از بعد داخلی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که موجب شکل‌گیری داعش گردیده برطرف نخواهد شد. لذا در سال‌های آتی شاهد قدرت‌گیری مجدد داعش و گروه‌هایی خواهیم بود که مانند این گروه عمل خواهند کرد. به یاد داشته باشیم که به دلیل وجود بسترهای لازم در سال‌های اخیر، منطقه غرب آسیا و خاورمیانه شاهد شکل‌گیری گروه‌هایی با عملکردهای تروریستی نظیر داعش بوده است و بر این اساس در آینده نیز، باز این چالش‌گیران کشورهای منطقه خواهد شد.

ب) احتمال تفوق یافتن برخی کشورهای منطقه و شکل‌گیری نظم آن برمدار منافع آن‌ها

بر اساس این سناریو در سال‌های بعد، شاهد گسترش ناامنی و تقویت آنارشی منطقه‌ای، خواهیم بود؛ زیرا قدرت‌های منطقه‌ای تلاش خواهند کرد که فقدان نیروهای آمریکایی را با توسعه فعالیت‌های خود جبران کنند. با توجه به عدم اطمینان کشورهای منطقه از نیت یکدیگر، این‌گونه فعالیت‌ها موجب گونه‌ای از احساس خطر خواهد بود که آن‌ها را به مقابله با آن وادار می‌کند. در این شرایط شاهد به وجود آمدن معمای امنیت هستیم زیرا این چرخه بی‌وقفه جهت مقابله با قدرت حریف پایان‌ناپذیر است.

ج) شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای جهت تأمین امنیت توسط کشورهای منطقه به صورت مشترک

این سناریو، به وضعیتی اشاره دارد که در سال‌های آتی، همبستگی و انسجام منطقه‌ای بیشتر را در مقابله با چالش‌های امنیتی و مبارزه با تروریسم شاهد خواهیم بود. از منظر این سناریو کشورها با درک تهدیدات تروریستی، منسجم‌تر به مبارزه با تروریسم ادامه می‌دهند و آینده معضلات امنیتی که با کنشگری گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش و چه گروه‌های تروریستی دیگر، به عنوان یکی از چالش‌های امنیتی خاورمیانه باقی نخواهد ماند. از بعد داخلی هم مکانیسم‌های همگرایی در کشورها در قالب عملکردهای سیاسی، اقتصادی، قومیتی و مذهبی پیگیری می‌گردد. لذا بسترهای حضور نیروهای فرا منطقه‌ای جهت حفظ امنیت از میان خواهد رفت و کشورها با اطمینان نسبت به نیات یکدیگر، تقویت توانمندی دیگران را خطری برای امنیت خود تلقی نخواهند کرد و به سیاست همگرایی و هم‌افزایی جهت کنترل نظم منطقه‌ای خود اقدام خواهند کرد.

۳-۲-۳ تصویر

در مرحله قبل سناریوهای محتمل و پیشرو ترسیم گردید و مورد تحلیل قرار گرفت. حال در مرحله تصور به بیان سناریوی مرجح خواهیم پرداخت. در واقع از میان سه سناریوی گفته‌شده آنچه مطلوب نظر است و به عنوان هدف می‌تواند به تدوین استراتژی منجر شود بیان گردیده تا جهت تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، مورد نظر قرار گیرد. مرجح بودن سناریوها شاید از نقطه نظر بازیگران درگیر در موضوع متفاوت باشد. به فرض مثال، از منظر اسرائیل احتمالاً سناریوی اول که به نیاز به حضور نیروهای فرا منطقه‌ای مانند ایالات متحده کمک می‌کند و نبودن این نیروها را ضایعه‌ای جهت امنیت خود می‌داند، سناریویی مطلوب باشد و از آن حمایت کند.

واضح است که سناریوی مطلوب از منظر جمهوری اسلامی ایران، «شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای جهت تأمین امنیت توسط کشورهای منطقه به صورت مشترک» است. سیاست‌های اصولی و اعلامی ایران نیز همواره بر این امر تأکید داشته است. این سناریو برای ایران مرجح است، زیرا از یک طرف ادامه حضور نیروهای آمریکایی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی تلقی شده و از سوی دیگر تهدیدی برای شرکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران است و همچنین توانمندی کشورهای منطقه را در راستای تأمین امنیت و نظم منطقه با مشارکت و همکاری مطلوب می‌داند. ابتکار «صلح هرمز» که از طرف جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل مطرح گردید که مبتنی بر همکاری‌های جمعی جهت حفظ صلح و نظم کشتیرانی در منطقه است، حاکی از این سیاست جمهوری اسلامی است.

۳-۲-۴ تصمیم

استفاده از فرصت‌ها و دوری از تهدیدات، مهم‌ترین اقدام در این مرحله هست. حال با این فرض که سناریوی بیان‌شده مطلوب نظر است و با در نظر گرفتن شرایط محیطی، به تخصیص منابع و تدوین استراتژی خواهیم پرداخت. در همین راستا و جهت برنامه‌ریزی استراتژی برای دستیابی به اهداف مورد نظر، جمهوری اسلامی این مسیر را در پیش خواهد داشت: ۱- تأکید بر هویت‌های مشترک اسلامی و ایجاد زمینه‌های مشترک جهت همکاری‌های امنیتی با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه؛ ۲- دعوت از کشورهای دیگر منطقه جهت همفکری و توسعه همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی؛ ۳- هم‌زمان عدم تأکید بر اختلافات زبانی، قومی و مذهبی و اتخاذ سیاست‌های همگرا در این زمینه و اعلام آمادگی در راستای کمک به کشورهای منطقه برای حل معضلات امنیتی.

فرصت‌های جمهوری اسلامی برای پیگیری این استراتژی عبارت است از: ۱- وجود اشتراکات قابل توجه فرهنگی و اصول اعتقادی مشترک در بسیاری از زمینه‌ها؛ ۲- وجود برخی دولت‌ها و گروه‌های همسو با رویکرد جمهوری اسلامی در معادلات منطقه‌ای مانند سوریه و عراق؛ ۳- وجود برخی نهادهای همگرا در منطقه مانند سازمان کنفرانس اسلامی و اکو؛ تهدیدات عبارت‌اند از: ۱- دخالت‌های فرا منطقه‌ای و حمایت‌های کشورهای آمریکایی مانند آمریکا از برخی سیاست‌های واگرایانه در منطقه؛

۲- حمایت‌های برخی دول منطقه‌ای مانند عربستان از گروه‌های سلفی و عدم تعریف مشترک از مسئله امنیت؛ ۳- تبلیغ ایران هراسی از جانب ایالات متحده و تعریف جمهوری اسلامی به عنوان تهدید مشترک برای همه بازیگران منطقه؛ ۴- ماندگاری ضعف‌های داخلی و اختلافات قومی و مذهبی که از عوامل اصلی حضور ایالات متحده در منطقه هستند؛ ۵. حمایت بازیگرانی مانند اسرائیل که اصولاً موجودیت و ماندگاری خود را تحت حضور نیروهای آمریکایی، تضمین شده می‌دانند.

۳-۲-۵ مرحله عمل

در این فرایند به اجرای استراتژی‌های تدوین شده می‌پردازیم. مهم است که در این مرحله جهت محقق کردن اهداف خود از ابزارهای متناسب و دقیق استفاده شود، زیرا واضح است که استفاده از ابزارهای نامناسب می‌تواند استراتژی را با شکست مواجه سازد. در عمل به استراتژی تدوین شده و سناریوی مطلوب از منظر جمهوری اسلامی باید از ابزارهای گوناگون و به صورت هم‌زمان استفاده کرد. موضوع همکاری‌های نظامی - سیاسی کشورهای مختلف در منطقه خاورمیانه برای مقابله با تروریسم از اهمیت خاصی برخوردار است (Alexander, 2008: 41). لذا جمهوری اسلامی می‌بایست، ضمن استفاده از قدرت نظامی جهت مقابله با گروه‌های تروریستی، به کاهش تنش‌های موجود با کشورهای عمده تأثیرگذار در منطقه بپردازد تا بتواند نیاز به حضور نیروهای فرا منطقه‌ای را کم‌رنگ کند. از طرف دیگر، گروه‌های تروریستی (نظیر داعش)، گروه‌های ایدئولوژیک و بانگیزه‌های هستند و تنها از طریق نظامی نمی‌توان با آن‌ها برخورد کرد، بلکه باید با آن‌ها برخورد ضد ایدئولوژیک صورت گیرد (Newman, 2006: 749). از این رو کمک به توسعه و ترویج فرهنگ مدارا و مصالحه می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری این گروه‌ها را در آینده از بین ببرد.

نکته بعد که جمهوری اسلامی در مقام عمل به استراتژی مطلوب خود باید به آن بپردازد، کمک و تشویق به گسترش نظم درون منطقه‌ای با مشارکت کشورهای موجود فارغ از اختلافات قومی و مذهبی در کشورهای منطقه و بهره‌مندی متناسب از منابع و امکانات اقتصادی موجود در کشورهای فوق برای همگان جهت مقابله با معضلات امنیتی است؛ زیرا گسترش همکاری‌های اقتصادی و فنی می‌تواند موجبات اطمینان و عدم سوءتفاهم به نیت یکدیگر را در بلندمدت فراهم آورد. با رسیدن به این نقطه می‌توان انتظار داشت که کشورها به سمت همگرایی قدم بردارند و نیازی در عمل برای حضور نیروهای فرا منطقه‌ای چون ایالات متحده احساس نگردد.

۴- نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر ضمن بیان مدل تایدا، جهت سناریوسازی به بیان سناریوهای محتمل پیرامون نظم منطقه‌ای، بعد از خروج احتمالی نیروهای آمریکایی از منطقه پرداختیم. همچنین از منظر این مدل، سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی را شرح دادیم. سناریوهای روندهای محتمل در صورت خروج نیروهای آمریکایی از منطقه به ما کمک می‌کنند تا عوامل مختلف در چارچوب چالش‌ها و فرصت‌های بالقوه را بهتر بشناسیم. همچنین آن‌ها، گزینه‌های بدیل آینده را در ذهن ما مجسم می‌کنند و به ما امکان می‌دهند تا درباره‌ی آن‌ها بیندیشیم. سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی، «شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای جهت تأمین امنیت توسط کشورهای منطقه به صورت مشترک» است. این استراتژی اصولی به نظر می‌رسد به زیرساخت‌های بسیاری برای تحقق محتاج باشد و در اجرای موفق آن نیاز است هم‌زمان از ابزارهای فرهنگی و سیاسی به تناسب و هم‌زمان استفاده گردد. جمهوری اسلامی به عنوان کشوری که در مرزهای خود از امنیت و ثبات برخوردار است، می‌تواند خود را الگوی نظم منطقه‌ای معرفی نماید و با قدرت خود به حفظ نظم موجود یاری رساند.

حفظ نظم در منطقه و مقابله با گروه‌های تروریستی با خروج نیروهای آمریکایی از منطقه، در صورتی که با سازمان‌دهی مناسب همراه باشد و از طرف دیگر با زمینه‌های داخلی کشورهای منطقه، مانند فقر و عدم توسعه‌یافتگی مقابله شود و با همسویی در

اقدامات دولت‌ها همراه با اطمینان از نیت طرفین همراه باشد، کاملاً محتمل و دست‌یافتنی خواهد بود. پرواضح است که تا آن نقطه راه بسیار باقی است.



منابع

- ایسنا، (۱۳۹۸)، «حضور آمریکا در منطقه؛ زمینه‌ها و تأثیرات. خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا». سه‌شنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۸، کد خبر: ۹۸۱۰۲۴۱۸۳۵۴، بازیابی شده در: <https://www.isna.ir/news/98102418354>.
- براتی، منصور، بیابان‌پیما، مارال، (۱۳۹۲)، «اسلام‌گرایی سوریه و امنیت ملی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز، صص ۵۱-۶۸.
- بصیری، محمدعلی و آقا محمدی، زهرا، (۱۳۹۶)، «آینده‌پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی، تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۱، تابستان، صص ۸۷-۱۱۶.
- بل، وندل، (۱۳۹۲)، *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- تیشه یار، ماندانا، (۱۳۹۰)، *آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذاکری، مهدخت، (۱۳۹۵)، *بربریت مدرن: تأملی بر اکنون و آینده داعش*، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم.
- زرین نرگس، یحیی، (۱۳۹۴)، «مثلث قدرت در خاورمیانه، ماهنامه اقتصادی، اجتماعی و قایع»، دوره جدید، شماره اول.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز.
- سهرابی، محمد، (۱۳۹۶)، «تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۷-۵۵.
- سیف زاده، سید حسین، (۱۳۸۴)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کریمی، پریسا و غلامی، طهمورث، (۱۳۹۶)، «سیاست‌گردی آمریکا و روسیه؛ منافع و امنیت ملی ایران»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک ۱۳۴۶، صص ۱۷۴-۲۰۱.
- معراجی، ابراهیم، (۱۳۹۷)، «سناریوهای نظم منطقه‌ای در جهان پسا داعش. همایش سالانه بین‌المللی»، انجمن ایرانی مطالعات جهان، دانشگاه تهران، اسفندماه ۱۳۹۷، صص ۳۷۱-۳۹۱.
- ملک محمدی، حمیدرضا و داودی، مهدی، (۱۳۹۱)، «تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۲۷-۲۴۶.
- هالستی، کی. جی، (۱۳۸۵)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- وثوقی، سعید و صفری، عسگر، (۱۳۹۵)، «نقش ایالات متحده آمریکا در افراط‌گری‌های منطقه خاورمیانه با تأکید بر عراق و سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۱-۱۱۷.

- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز مناسبات نظامی- امنیتی عراق و آمریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، بهار، شماره ۴۷، صص ۱۵۱-۱۷۶.

- Alexander, Y. (2008). Contemporary Terrorism: From National to Regional and Global Threats, *Defense Against Terrorism Review*, 1(2), pp 41-46.
- Bacevich, A., J. (2016). Let`s End America`s Hopeless war for the Middle East. Politico Magazine. Available at: <https://politico.com/magazine/story/2016/04/middle-east-foreign-policy-afghani-stan-unwinnable-213778>.
- Collins, J., C., & Porras, CJ., I., (1996). Building Your Company Vision, *Harvard Business Review*, (September, October), pp 65-77.
- Casert, R., & Hinnant, L. (2015). Over 1,200 Europeans who joined Islamic extremists have returned to Europe. Business Insider. Available at: <https://www.businessinsider.com/ap.over-1200-european-jihadis-have-returned-in-past-2-years-2015-11>.
- FP and Fund for peace. (2005). Fragile States Index, available on: www.fundforpeace.org.
- Fund for Peace. (2015). Fragile states Index, www.fundforpeace.org.
- Newman, E. (2006). Exploring the, root causes of terrorism, *Studies in Conflict and Terrorism*, Vol.29, pp 749-772.
- Painter, S., D. (2012). Oil and the American Century. *Journal of American History*. 99(1).
- O`Rourke, R. (1988). The tanker War. Naval Institute. Available at: <https://www.usni.org/magazines/proceed-ings/1988-05/tanker-war>.
- Smith, G. (2016). IEA sees Record Middle East oil Supply at us output slumps. Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016/-07-13/iea-sees-record-middle-east-oil-supply-while-u-s-output-slumps>.
- The Heritage Foundation. (2017). 2017 Index of U.S. Military Strength: Middle East. Available at: <https://index.heritage.org/military/2017/assessments/operating-environment/middle-east/>.

Abstract

Scenarios of regional order with the withdrawal of American troops from the Middle East (from the perspective of the TAIDA model)

Ebrahim Meraji¹, Hossein Daheshiar², Mohammadreza Dehshiri³

Received:2021/08/08

Accepted:2021/12/02

Proper planning based on future trends to advance national security goals and national interests is one of the most important tasks of strategists in each country.

Considering the importance of scenario planning in strategic studies, present paper attempts to use the research methodology of the future research and using the TAIDA model, which focuses on the five approaches of "Tracking, Analyzing, Deciding, and Action", The author seeks to examine possible scenarios for regional order in the event of the withdrawal of US troops from the Middle East, The main question of the present study is: What will be the possible scenarios regarding the regional order of the withdrawal of American troops from the region?

Scenarios include:

- The vacuum of power and the development of the activities of non-governmental forces such as ISIS and the resulting disorder.
- The possibility that some countries in the region will prevail and its order will be formed based on their interests.
- Formation of regional convergence for security by the countries of the region.

Finally, the author will try to express the desired scenario from the point of view of the Islamic Republic of Iran.

In this regard, in the present study will briefly review the scenarios of the US presence in the region and the adaptation of this model to the current and future conditions of this presence.

Keywords: Iran, Regional order, Scenarios, TAIDA model, The United States.

¹. PhD Student in International Relations, Department of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

². Professor of International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

³. Associate Professor, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran